

Critical Analysis of Theoretical Issues Regarding the Nature of Money; Provision of an Alternative Definition

Hasan Sobhani

Professor of economics, university of Tehran, Tehran, Iran: sobhanihs@yahoo.com

Mahdi Khoshkhooy

Corresponding Author, Phd student of economics, university of Tehran, Tehran, Iran:

M.khoshkhooy@ut.ac.ir

Abstract

A review of theoretical studies in the field of money suggests that the type of definition and view of monetary theorists and decision makers on the phenomenon of money can be considered as the main starting point for discussing the design of money creation arrangements in the economy. Using a descriptive-analytical method based on deductive reasoning and qualitative study in the framework of economic concepts, this article evaluates the theories on the definition and nature of money and based on the implications obtained from it, an alternative definition of "Money" offers. Based on the results of the present study, it seems that each of the theories of metallurgy, chartalism and other theories close to any spectrum has not paid the right attention to defining and explaining what money is; In such a way that the approach and position of the mentioned theories in defining money and determining its examples can be discussed and distorted even from the functionalist and consensual definition of money, these theories have tried to provide a definition of money that includes the most And provide justification for monetary events up to its age. While from the perspective of the present study, a principled confrontation with the common definition of money (based on its three functions), will require adopting a normative approach and avoiding a positive approach to it. In addition to the well-known triple functions, there are other vital tasks for money that need to be defined.

Keywords: *Commodity Money, Credit Money, Value Stability, Social Institution*

JEL Classification: *E40 E51 P24 P44*

بررسی انتقادی مباحث نظری مرتبط با چیستی پول و ارائه تعریف بدیل^۱

حسن سبحانی

استاد تمام و عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، تهران، ایران sobhanihs@yahoo.com

مهدی خوشخوی

نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تهران، تهران، ایران M.khoshkhooy@ut.ac.ir

چکیده

مروری بر مطالعات نظری حوزه پول، حاکی است که نوع تعریف و نگاه نظریه‌پردازان و تصمیم‌سازان پولی نسبت به پدیده پول را می‌توان نقطه اصلی عزیمت بحث طراحی ترتیبات خلق پول در اقتصاد دانست. این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی متکی بر استدلال قیاسی و بررسی کیفی در چارچوب مفاهیم اقتصادی به ارزیابی نظریات مطرح در باب تعریف و چیستی پول پرداخته و مبتنی بر دلالت‌های به دست آمده از آن، تعریفی بدیل از «پول» ارائه می‌دهد. بر اساس نتایج مطالعه حاضر به نظر می‌رسد هر یک از نظریات فلزگرایی، چارنالیستی و سایر نظریات نزدیک به هر طیف، آن‌گونه که باید حق مطلب را در تعریف و تبیین چیستی پول ادا نکرده است؛ به‌گونه‌ای که رویکرد و موضع نظریات مذکور در تعریف پول و تعیین مصادیق آن حتی از منظر تعریف کارکردگرایانه و اجماعی پول نیز می‌تواند مورد بحث و خدشه قرار گیرد این نظریات تلاش نموده‌اند تعریفی از پول ارائه دهند که بیشترین شمول و توجیه‌کنندگی را تا عصر خود نسبت به وقایع پولی فراهم نماید. در حالی که از منظر پژوهش حاضر، مواجهه اصولی با تعریف رایج پول (مبتنی بر کارکردهای سه‌گانه آن)، مستلزم اتخاذ رویکرد بایستگی (normative) و اجتناب از رویکرد اثباتی (positive) نسبت به آن خواهد بود. ضمن آن‌که علاوه بر کارکردهای سه‌گانه مشهور، وظایف حیاتی دیگری نیز برای پول متصور است که ضروری است در تعریف آن لحاظ شود.

واژه‌های کلیدی: پول کلاسی، پول اعتباری، ثبات ارزش، نهاد اجتماعی

طبقه‌بندی JEL: E40, E51, P24, P44

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۵/۲۴ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۸/۲۲ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۹/۱۰

فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال ۱۰، شماره ۳، پیاپی ۳۸، پاییز ۱۴۰۰، صص ۴۹۹-۵۳۱

۱. این یک مقاله دست‌نویس آزاد تحت مجوز/CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

مقدمه

تبیین الگوی مناسب نظام پولی و ترتیبات خلق پول از موضوعات تعیین‌کننده و حساس در اقتصاد است که همواره بین اقتصاددانان و محققان حوزه پولی، مورد مناقشه و بحث بوده است. این موضوع، هسته سخت مباحث اقتصاد کلان را تشکیل داده و بر تمامی موضوعات و حوزه‌های اقتصادی سایه انداخته است؛ اما ورود به بحث طراحی ترتیبات خلق پول، ابتدائاً مستلزم تعیین موضع در قبال چیستی «پول» و نظریات مطرح پیرامون مفهوم و ماهیت آن خواهد بود؛ چرا که نوع نگاه و برداشت ما نسبت به این مفهوم بنیادین، دلالت‌های آشکار و غیرقابل‌انکاری را در تعریف خود از نظام و ترتیبات پولی مرجح به همراه خواهد داشت. مروری بر مطالعات مرتبط داخلی و خارجی نیز خود حاکی از این حقیقت است که نوع تعریف از پول و چیستی آن را می‌توان نقطه اصلی عزیمت بحث در میان محققان و نظریه‌پردازان حوزه نظام پولی دانست.

این مقاله بر آن است با رویکردی انتقادی، به بررسی مباحث نظری مرتبط با چیستی پول پرداخته و مبتنی بر دلالت‌های به دست آمده از آن، تعریفی بدیل از «پول» از منظر مشخصه‌های مورد نظر ارائه دهد. برای این منظور در بخش اول مقاله به مرور مباحثات نظری پیرامون چیستی پول از منظر مطالعات متعارف و نیز مطالعات اسلامی می‌پردازیم. بخش دوم به معرفی رهیافت مورد نظر نگارنده در تبیین چیستی پول، اختصاص یافته است. در این بخش پس از پرداختن به ضرورت اتخاذ این رهیافت از گذرگاه ارزیابی و نقد نظریات موجود، روش مورد استفاده این مطالعه در تبیین چیستی پول معرفی شده و مبتنی بر آن تعریفی بدیل

از پول به همراه برخی نکات تکمیلی ارائه می‌گردد.

۱. مروری بر مباحث پیرامون چیستی پول

۱-۱. بررسی مباحث متعارف در باب چیستی پول

در حالی که قرن‌هاست پول در میان جوامع وجود دارد، چیستی و ماهیت آن کماکان محل بحث و اختلاف است. میشکین^۱ (۲۰۰۴) بیان می‌کند تعریفی دقیق و یکتا از [ماهیت] پول در میان اقتصاددانان وجود ندارد. لذا مرسوم است که به جای تعریف پول بر اساس ماهیت آن، پول را بر اساس کارکردها^۲ و وظایف آن تعریف می‌کنند. در کتب درسی اقتصاد نیز پول بر اساس کارکردهای آن تعریف شده است. هریس^۳ (۱۹۸۹) معتقد است پول چیزی است که سه وظیفه واسطه مبادله^۴، ذخیره ارزش^۵ و واحد سنجش و محاسبه ارزش^۶ را داراست. بال^۷ (۲۰۱۱) نیز هنگام تعریف پول، ضمن قرار دادن آن در بین انواع دارایی، به همان کارکردهای سه‌گانه فوق و نه بیشتر، اشاره می‌کند.

مباحث پیرامون تبیین ماهیت پول را در دو جریان کلی در حوزه اندیشه‌های اقتصادی می‌توان دنبال کرد که نام‌های متفاوتی برای هر یک از این دو جریان، متناسب با رویکرد اتخاذی آن‌ها به کار رفته است. گودهارت^۸ (۱۹۹۸) در مقاله دو مفهوم از پول^۹ جریان غالب را فلزگرا^{۱۰} و جریان مقابل را چارتالیست^{۱۱} می‌نامد و

-
1. Mishkin
 2. functions
 3. Harris
 4. medium of exchange
 5. store of value
 6. unit of account
 7. Ball
 8. Goodhart
 9. The two concepts of money: implications for the analysis of optimal currency areas
 10. Metallists
 11. Chartalists

بیان می‌کند که تیم فلزگرایان مجموعه بزرگ‌تری از اقتصاددانان [جونز^۱، منگر^۲، میززا^۳، آلچیان^۴ و ...] را گرد هم آورده است. این علاوه بر پشتیبانی ارسطو و لاک از این ایده است. در مقابل چارتالیست‌ها شامل اقتصاددانانی چون ناپ^۵ در آلمان، میراکس^۶ در فرانسه و اکثر پست‌کینزین‌ها در آمریکا و انگلستان می‌شوند. تعبیر دیگری نیز برای این دو رویکرد به کار رفته و تحت عنوان «نظریه کالایی» و «نظریه اعتباری» پول از آن‌ها یاد شده است.

از میان سه کارکرد ذکر شده برای پول (واسطه مبادله، واحد سنجش ارزش و ذخیره ارزش) طرفداران نظریه کالایی با اشاره به پیدایش بازاری پول، بر نقش «واسطه مبادله» به عنوان کارکرد اصلی پول تأکید داشته و دو کارکرد دیگر را جانبی می‌دانند. تبیین منگر از پیدایش پول، مبتنی بر تبیین مشکلات مبادلات پایاپای صورت گرفته است که در آن افراد می‌کوشند در یک بازار پایاپای، کالای خود را با کالای با بالاترین حد نقدشوندگی مبادله کنند حتی اگر فعلاً به آن نیاز نداشته باشند (Menger, 1892).

از منظر اتریشی‌ها بهترین و نقدشونده‌ترین کالا که این الزامات چهارگانه را در خود جای می‌دهد «فلزات گرانبها» (عمدتاً طلا و تا حدی نقره) خواهد بود. به همین سبب پول‌های طلا و نقره، پول‌های طبیعی^۷ نامیده شده‌اند و هر گونه تغییر و دخالت در شکل پول که منجر به تغییر این واسطه طبیعی مبادله در اقتصاد گردد، نقض آزادی و مداخله در ساز و کار طبیعی بازار را الزاماً به همراه خواهد داشت (Hülsmann, 2008).

بر این اساس از نظر منگر و سایر حامیان نظریه فلزگرایی، پول از طریق قانون

-
1. Jevons
 2. Menger
 3. Mises
 4. Alchian
 5. Knapp
 6. Mireaux
 7. Precious Metals
 8. Natural Money

ایجاد نشده است و یک نهاد دولتی نیست؛ بلکه یک نهاد اقتصادی-اجتماعی است که البته همچون حقوق عرفی^۱ با رسمیت یافتن از سوی دولت و وضع مقررات برای آن، نهاد اجتماعی آن تکامل یافته و تناسب بیشتری با نیازهای متعدد و متغیر اقتصادی یافته است.

اما ناسازگاری نظریه فلزگرایی با واقعیت‌های پولی دوران اخیر را باید به عنوان چالشی مهم برای این نظریه محسوب نمود. در این راستا رویکرد چارتالیستی یا پول دولتی، اولین بار توسط جورج فردریش ناپ^۲ اقتصاددان آلمانی در سال ۱۹۰۵ در کتاب «نظریه دولتی پولی»^۳ مطرح شد.^(۱) بر اساس نظریه اعتباری پول (چارتالیسم) ارزش پول ناشی از محتوای آن نیست بلکه مربوط به ماهیت حقوقی پول و قراردادهایی است که میان افراد وجود دارد. نظریه چارتالیسم در میان اقتصاددانان دگراندیش - خاصه اقتصاددانان مکتب تاریخی^۴ و جریانات با گرایش پساکینزی - و غیر اقتصاددانان (جامعه‌شناسان و مورخان پولی) نسبت به نظریه فلزگرایی، بیشتر با مقبولیت مواجه است.

اینگهام^۵ (۲۰۰۴) جامعه‌شناس اقتصادی انگلیسی پول را صرف نظر از مظاهر گوناگون آن، به مثابه یک مطالبه^۶ یا اعتبار^۷ می‌داند که به وسیله روابط اجتماعی مستقل از تولید کالا و خدمات ایجاد می‌شود؛ یک تعهد به پرداخت [بدهی]^۸ بین انسان‌ها و یک رابطه «بدهی-اعتبار»^۹ بین عاملان اقتصادی که بر حسب یک «پول محاسباتی»^(۲) تعیین می‌گردد و بر اساس آن، یک طرف بدهکار و طرف دیگر بستانکار می‌شود.

1. customary rights
2. Georg Friedrich Knapp
3. The State Theory of Money
4. Historical school of economics
5. Ingham
6. Claim
7. Credit
8. Promise to Pay
9. Debt-Credit

از نگاه چارتالیست‌ها (طرفداران نظریه پول اعتباری) گذار از پول فلزی به پول کاغذی و دستوری، امری موجه و طبیعی قلمداد شده و به سادگی قابل تبیین است؛ در حالی که از منظر نظریه فلزگرایی که بر ارزش ذاتی پول تأکید دارد، امری دشوار خواهد بود. طرفداران نظریه اعتباری، کارکرد اصلی پول را «معیار ارزش» بودن می‌دانند. کینز (۱۹۳۰) پس از ناپ (۱۸۹۵) در بسط و گسترش این نگاه نقش مهمی داشت. وی مفهوم اصلی و اولیه پول را «پول محاسباتی» (منبای سنجش بدهی‌ها و قیمت‌ها) ذکر می‌کند. در باب خاستگاه و منشأ پیدایش پول، به بیان کینز (۱۹۳۰) تأکید صاحب‌نظران پول اعتباری بر این است که پول به میزان منحصر به فردی مخلوق دولت است. به عقیده بسیاری همچون رای^۱ (۲۰۰۲) شکل‌گیری پول به عنوان واحد محاسبه و سپس واسطه مبادله را باید در تشکیل و توسعه حکومت‌ها و قدرت اخذ مالیات جست‌وجو کرد.

ناپ (۱۹۲۴) بیان می‌کند این عبارت که «پول مخلوق قانون است»، به معنای آن نیست که پول، مخلوق متن صریح قانون است و به واسطه قانون پول رسمی^۲ است که پول مورد پذیرش عمومی قرار می‌گیرد؛ بلکه پول مخلوق فعالیت قانونی دولت^۳ و سیاست قانونی^۴ است.

درویدیان (۱۳۹۴) در مقام بررسی و نقد نظریات پولی مطرح، شناخت نظریه‌پردازان اعتباری از چیستی پول را قوی‌تر و عمیق‌تر می‌داند. از نظر او مهم‌ترین محورهای مورد اشاره در کلام این صاحب‌نظران عبارت است از جداسازی ماهیت پول از ماده پولی^۵، تبیین پول به عنوان یک تعهد به پرداخت یا سندی بی‌نام دال بر مطالبه دارنده از تولید اجتماعی، تأکید بر جایگاه «قدرت» و «مشروعیت قانونی» در قوام یابی پول و معرفی نقش اصلی پول به عنوان «بیانگری ارزش انتزاعی» (تأکید بر پول محاسباتی). آنچه درویدیان به ادعای خود به تعاریف

-
1. Wray
 2. legal tender law
 3. legislative activity of State
 4. legislative policy
 5. Money Stuff

نظریه پردازان اعتباری افزوده، این است که پول را «نشانگر» یا «دلالت‌کننده» بدهی دانسته نه خود آن بدهی را. در مقام ارائه تعریفی از پول، وی در دو سطح اقدام به ارائه تعریف خود از پول می‌نماید؛ با این توضیح که باید بین مفهوم انتزاعی و جوهری پول و آنچه در عرف از پول برداشت می‌شود (مفهوم رایج و عرفی) تفاوت قائل شد. در سطح اول تعریف (مفهوم جوهری پول) از منظر او کارکرد پول را می‌توان بر شیئی در جهان خارج (فلز، کاغذ اسکناس و ...) وضع کرد اما مفهوم پول چیزی غیر از اسکناس و مسکوک و همان «معیار انتزاعی ارزش» یا «پول محاسباتی» در تعبیر کینز است. همان طور که مفهوم انتزاعی گرم، چیزی غیر از وزنه آهنی است؛ اما در سطح دوم به گفته درودیان، از نظر عرف، پول «چیزی» است که واجد خصوصیت «داشتن ارزش مبادله‌ای خالص» بوده و از این رو عرف، سکه و اسکناس و اعداد موجود در حساب بانکی را پول می‌داند. لذا از نظر او تعریفی از پول که با این تلقی رایج و عرفی همخوانی داشته باشد را بدین صورت می‌توان ارائه نمود: «پول نشانگر^۱ بدهی ناشر (بدهکار) به پذیرنده (بستانکار) است که این بدهی بر حسب پول محاسباتی (معیار انتزاعی ارزش) بیان شده و به پشتوانه اعتبار ناشر دارای مقبولیت عام (قدرت خرید) می‌گردد».

از منظر دولت‌آبادی (۱۳۹۴)، «اگرچه تفاوت‌های متعددی میان فلزگرایان و چارتالیست‌ها در حوزه پول وجود دارد، اما اختلاف نظر ایشان در خصوص خاستگاه پول از اهمیت بیشتری برخوردار است. از طرفی با توجه به اینکه عملاً نمی‌توان بر اساس شواهد تاریخی یا مدل‌های نظری در خصوص خاستگاه پول اظهار نظر کرد، برای ارزیابی می‌بایست بر ساختار و چارچوب تحلیلی هر یک از این دو دیدگاه و توانایی آن‌ها در توضیح و تبیین واقعیت‌های پولی در طول تاریخ و به ویژه پول مدرن تأکید کرد». از نظر وی «نظریه فلزگرایی در توضیح ایجاد و استفاده از پول دستوری با مشکلاتی روبروست در حالی که چارتالیست‌ها با چنین مشکلاتی مواجه نیستند». به باور دولت‌آبادی (۱۳۹۴) «پذیرش دیدگاه چارتالیستی در خصوص خاستگاه پول به این معنا نیست که بخش خصوصی بدون مشارکت

دولت نمی‌تواند یک نظام پولی را ایجاد کند». از تحلیل وی این‌گونه برمی‌آید که معتقد است نظام پولی ایجاد شده توسط بخش خصوصی و بدون مشارکت دولت از کارآمدی کمتری نسبت به نظام پول دستوری برخوردار است.

۲-۱. بررسی مباحث اسلامی در باب چیستی پول

مسئله چیستی و ابعاد پول به عنوان یک بحث مبانی در بین محققان حوزه نظام پولی سازگار با مبانی اسلامی نیز از منظر قواعد مربوطه مورد توجه و بحث قرار گرفته است. ایده اصلی نویسندگان کتاب «پول در اقتصاد اسلامی» (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴) در تبیین چیستی و ماهیت پول، منحصر ساختن آن در مفهوم «ارزش مبادله‌ای» (در مقابل ارزش مصرفی) بوده است:

«پول چیزی است که ارزش مصرفی آن در ارزش مبادله‌ای آن است» (۱۳۷۴: صفحه ۱۶).

این کتاب که از حامیان نظریه ارزش اسمی پول^(۳) است، مالیت پول اعتباری کنونی را از نوع مثلی دانسته و احکام مال مثلی را بر آن بار می‌کند. به عقیده‌ی آنان دولت هم حق دارد پول منتشر کند بدون این‌که ضامن کاهش قدرت خرید باشد؛ اما از آن‌جا که این‌کار با مجموع مصالح نظام سازگار نیست، حق انتشار بی‌رویه پول به دولت داده نمی‌شود.

یوسفی و همکاران (۱۳۷۷) در کتاب «ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن» توضیح می‌دهد که پول - اعم از پول کالایی و غیر کالایی - برای اینکه عوض کالاها در مبادلات قرار گیرد و عموم مردم آن را بپذیرند نیاز به توافق عمومی توسط عرف و عقلا دارد. از نظر آن‌ها گفتاری که بتواند تا حد قابل قبولی واقعیت پول را آشکار سازد عبارت است از اینکه: «پول شیء فیزیکی دارای ارزش مبادله‌ای عام یا شیء غیر فیزیکی که فی‌نفسه دارای ارزش مبادله‌ای عام است، می‌باشد». در تبیین منشأ ارزش و اعتبار یک پول، از این منظر، حتماً باید موافقت عرف عام و عقلا، هماهنگ با جعل و اعتبار دولت باشد و اگر دولت، مالیت پول را اعتبار کند، به تنهایی کفایت نمی‌کند مگر اینکه عرف عام و عقلا اعتبار دولت را بپذیرند لذا اصل مالیت پول کاغذی [یا تحریری] یک اعتبار عرفی است.

توسلی (۱۳۸۴) هیچ یک از نظریات اندیشمندان اسلامی در حوزه ماهیت‌شناسی پول را قابل استناد ندانسته و نیاز به نظریه‌پردازی جدید در این رابطه را مطرح می‌کند. به زعم وی سه نظریه به عنوان مهم‌ترین نظریات موجود در زمینه ماهیت‌شناسی پول در اقتصاد اسلامی مطرح هستند:

۱. نظریه قدرت خرید که می‌گوید ارزش و قدرت خرید با جعل قانون، همه هستی و اساس پول است.

۲. نظریه ارزش اسمی که مثلث پول را در ارزش اسمی و ارقام مکتوب روی اسکناس می‌بیند.

۳. نظریه مالیت اعتباری که اسکناس را پول فیزیکی دارای ارزش مبادله‌ای عام و پول تحریری را شیئی غیر فیزیکی می‌داند که خود فی‌نفسه ارزش مبادله‌ای عام است.

توسلی (۱۳۸۴) نظریه ارزش اسمی را بنا به دلایلی قابل پذیرش نمی‌داند. به بیان او، ارزش اسمی پول همان‌گونه که در متون اقتصادی و پولی بیان شده، نشان‌دهنده‌ی تعداد واحدهای پولی مکتوب بر روی اسکناس (مثلاً ۱۰۰۰ ریال) است و از عنوان «ارزش اسمی» چیزی بیش از این مفهوم نمی‌توان استخراج کرد. از طرفی ریال، دلار، پوند و امثال این‌ها عناوین مشیر هستند. باید دید مشارالیه این‌ها چیست. به زعم وی، در نظام پول فلزی تمام عیار هر یک از این اسامی روشن است که به وزن خاصی از فلز طلا اشاره دارند و به همین وزن خاص هم سکه ضرب می‌شد پس مقوم مثلث، حفظ وزن خاص و عیار این سکه در خارج بود؛ وگرنه از مثلث خارج می‌شدند؛ اما در نظام پول اعتباری کنونی، این عناوین کماکان عناوین مشیر هستند و خود چیزی جز یک نام نیستند؛ لذا به زعم او تبیین مثلث پول بر اساس این نظریه ممکن نبوده و ذاتی که این نظریه به آن قائل است، ذاتی مبهم است.

توسلی (۱۳۸۴) معتقد است مقوم مثلث در پول جدید، حفظ برابری مقدار فلز اعتبار شده واحد پول از طرف دولت‌ها است که در تعاریف پولی قوانین کشورها آمده و دولت‌ها با عملکرد و اتخاذ سیاست‌های پولی مناسب براساس

اصل پایبندی می‌توانند به این مهم دست یابند.

توسلی (۱۳۹۷) اقدام به ارائه تحلیلی جدید از ماهیت پول کنونی با عنوان «نظریه مال اعتباری» بدین شرح می‌نماید: «پول مالی است مثل همه اموال دیگر با این تفاوت که ذات مال در پول‌های کنونی ماهیت اعتباری دارد نه فیزیکی. این مال مخلوق جدیدی است بدون ماهیت فیزیکی که با اعتبار و جعل قانون و پذیرش مردم موجودیت یافته و ارزش آن پس از انتشار خارجی به ظرفیت تولید ملی، اعتماد مردم، ثبات سیاسی و وفای حاکمیت به تعهدش در حفظ نسبی ارزش اولیه پول بر اساس معیار وابسته است». از نظر وی بر اساس تحلیل «مال اعتباری» از ماهیت پول، حفظ ارزش پول به عنوان مهم‌ترین هدف سیاست‌های پولی اثبات می‌شود.

نعمتی و همکاران (۱۳۹۹) بر این باورند که با در نظر گرفتن سه وظیفه اصلی پول، عنوان مثلثیت در باب پول تأمین‌کننده وظیفه دوم (معیار سنجش ارزش) بودن آن و عنوان قیمت، تأمین‌کننده وظیفه سوم (ذخیره ارزش) بودن آن است. به بیان ایشان، طرفداران نظریه ارزش اسمی در عین تمسک به وظیفه دوم پول، از درک علت تعطیل شدن وظیفه سوم آن بازماندند و طرفداران نظریه قدرت خرید با تمسک به کارویژه سوم پول، از اهمیت کارویژه دوم غافل شدند؛ طرفداران قول به تفصیل (نظریه میانه) نیز علیرغم اینکه گویی اهمیت هر دو وظیفه را درک کرده‌اند لکن وجه جمع آن را به خوبی بیان ننموده‌اند.

از نظر نعمتی و همکاران (۱۳۹۹) اقتضای مثلثیت آن است که میزان ارزش پول تعهدشده در زمان اول «با همان تعداد واحد پول» در زمان دوم ادا گردد و نه با تعدادی بیشتر یا کمتر. به گفته ایشان مثلثیت پول به این معناست که قدرت خرید معین با تعداد واحد پول یکسان در زمان‌ها و مکان‌های مختلف (افراد طولی و عرضی) پرداخت گردد. از منظر این پژوهش، اشکال وارد بر طرفداران هر کدام از سه نظریه مذکور، این است که تلاش کرده‌اند مبانی نظری را با واقعیت موجود تطبیق دهند؛ حال آن‌که باید جای این احتمال را باقی گذاشت که ممکن است نظم پولی موجود، مصداقی از واقع فاسد بوده و لذا نمی‌توان آن را بر اساس هیچ مبنای

نظری صحیح تبیین کرد.

نعمتی و همکاران (۱۳۹۹) تبیینی جدید از مسئله پول ارائه داده و به دلالت و ضابطه‌ای مهم (حفظ مالکیت‌ها) در باب ماهیت پول سازگار با مبانی اسلامی دست می‌یابد که بر اساس آن «هر گونه پولی به اقتضای کارویژه‌های شناخته شده برای پول، مثلی است؛ اما مثلیتی که غرض ذخیره ارزش بودن و قیمتی بودن را دربرداشته باشد» و نظام پولی ناتوان از تأمین این شرط، نمی‌تواند از منظر اسلام قابل پذیرش باشد؛ به عبارت دیگر «اصل لزوم ثبات ارزش پول» در این دیدگاه، از اصول موضوعه فقه و حقوق اسلامی، یعنی اصل مالکیت و قاعده تسلیط و تأکید بر تخلف‌ناپذیری آن، استنتاج می‌شود.

۲. رهیافتی جدید در تبیین چیستی پول

۲-۱. بیان ضرورت (از گذرگاه نقد نظریات موجود)

به نظر می‌رسد هر یک از نظریات فلزگرایی، چارتالیستی و سایر نظریات نزدیک به هر طیف، آن‌گونه که باید حق مطلب را در تعریف و تبیین چیستی پول ادا نکرده اند؛ به‌گونه‌ای که رویکرد و موضع نظریات مذکور در تعریف پول و تعیین مصادیق آن حتی از منظر تعریف کارکردگرایانه و اجماعی پول نیز می‌تواند مورد بحث و خدشه قرار گیرد. این نظریات تلاش نموده‌اند تعریفی از پول ارائه دهند که بیشترین شمول و توجیه‌کنندگی را تا عصر خود نسبت به وقایع پولی تأمین نمایند. یک پیش‌فرض و قضاوت مشترک در حامیان این نظریات وجود دارد که سیر تغییرات و تطورات در پول و نظام پولی رایج در جهان صرفاً متأثر و ناشی از تجربیات عقلانی و محض انسان و انباشت دانش نظری و عملی بشر بوده است. بر اساس این پیش‌فرض، هرگونه مصداقی از پول که در طول تاریخ اقتصادی مطرح شده لزوماً متکی بر اقدامی نوآورانه و مثبت در مسیر تکامل نظامات پولی و مالی در اقتصاد و جوامع بشری بوده است حال آن‌که این انگاره قویاً متزلزل و خدشه‌پذیر است. چه اینکه صاحب‌نظران و محققان متعددی منشأ ایجاد برخی از مصادیق پول و نظامات پولی در طول تاریخ (خاصه نظام پولی مبتنی بر ذخیره

جزئی) را وقوع برخی نواقص و انحرافات در حکمرانی اقتصادی جوامع دانسته و قائل به لزوم اصلاح و بازتعریف پول و نظام پولی در اقتصاد بوده‌اند^(۴).

به بیان گودهارت (۱۹۹۸) افزایش قدرت دولت‌های محلی و حق‌الضرب اضافی که از طریق انتشار پول دستوری^۱ به دست می‌آید [و نه تغییرات مبتنی بر کوشش علمی جهت ارتقاء کارامدی در نظام پولی]، علل حرکت از پول فلزی به پول کاغذی بوده است.

آسیب ذکرشده، در میان مطالعات اسلامی حوزه پول نیز تاحدی شایع است. هر چند به زعم نگارنده می‌توان مطالعاتی نظیر نعمتی و همکاران (۱۳۹۹) و توسلی (۱۳۸۴ و ۱۳۹۷) را در زمره مطالعات رو به جلو دانست که به نوبه خود تلاش نموده‌اند فارغ از کلیشه‌های موجود به تبیین حقیقی از چیستی پول دست یابند.

تعاریف ارائه‌شده از ماهیت پول عمدتاً مبتنی بر مصادیق موجود آن و فارغ از چارچوب کارکردهای سه‌گانه مشهور پول طرح شده است. از این رو طرح هرگونه ایراد نسبت به مصادیق مذکور، منجر به زیر سؤال رفتن تعاریف ارائه شده خواهد شد. این در حالی است که مصادیق رایج پول، امکان تأمین توأمان سه کارکرد مشهور را ندارند. توضیح آن که یکی از کارکردهای پول و چه بسا مهم‌ترین آن، «معیار و سنجه ارزش بودن» است؛ بدین معنا که ارزش هر چیزی (اعم از کالا، خدمت و ...) با آن سنجیده می‌شود. این «معیار و سنجه ارزش بودن» برای مقایسه بین دو چیز در دو نقطه زمانی نیز مطرح است.

تغییر قیمت یک کالا در طول زمان، منطقی‌تنها باید به واسطه تغییر در ارزش آن (به هر علتی که می‌تواند در عرضه و تقاضای کالا در طول زمان اثر گذارد) رخ دهد. این در حالی است که در نظام پولی رایج، تغییر قیمت یک کالا در طول زمان لزوماً به معنای تغییر ارزش آن نخواهد بود. چرا که پول‌های رایج عموماً در حال نوسان و افت ارزش بوده و حداقل بخشی از افزایش قیمت یک کالا در طول زمان، قابل انتساب به کاهش ارزش پول مربوطه است. از این رو پول رایج، ابزار مناسب و کفایت‌کننده‌ای برای سنجش ارزش در طول زمان نیست و این گزاره،

خود نافی و ناقض تعریف کارکردگرایانه پول (به عنوان یک سنجه ارزش) است. به بیان ساده‌تر «ثبات ارزش» لازمه منطقی و عقلانی یک پول بر اساس مفهوم کارکردی آن است و نبود آن، نمایانگر تناقضی آشکار بین مصداق و مفهوم آن خواهد بود. مگر می‌شود یک چیز (مفهوم یا شیء) به عنوان سنجه و معیار محاسبه ویژگی و صفتی تعریف شود و در عین حال، خود از همان جهت، پایداری و ثبات نداشته باشد؟ چگونه می‌توان از واحد سنجش مسافت (متر) بهره برد در شرایطی که در زمان‌های مختلف شاهد اندازه‌های متفاوت و متغیری برای آن باشیم؟ در این صورت آیا وضع چنین سنجه ناپایداری خود نقض غرض نخواهد بود؟

در حال حاضر برای تعیین ارزش (قدرت خرید) یک پول به عنوان واحد سنجش ارزش کالاها و خدمات در طول زمان، به خود همان کالاها و خدمات رجوع می‌شود؛ بدین معنا که به منظور اطلاع از میزان کاهش ارزش یک پول در طول یک دوره زمانی (محاسبه و استخراج نرخ تورم)، سبدهای کالاهای مصرفی افراد، مبنای محاسبه تغییرات شاخص قیمت قرار می‌گیرد؛ اما این خود یک دور باطل در کارکرد پول‌های رایج محسوب می‌شود؛ چرا که سنجه و متری که برای ارزش‌گذاری کالاها و خدمات در اقتصاد تعریف شده است، خود در هر دوره باید از طریق کالاها و خدمات موجود (سبد اقلام مصرفی) تعیین ارزش شود.

البته ممکن است عده‌ای در مواجهه با این ایراد این گونه بیان کنند:

«مادامی که پول‌های رایج با وجود این تناقض ظاهری نیز کارکرد و استعمال خود در اقتصاد را یافته و توانسته‌اند وظایف خود را ایفا نمایند، اساساً طرح این ایراد چه فایده‌ای را به همراه دارد؟ آیا کاربرد رایج این پول‌ها در اقتصاد، خود دلیلی بر رد مدعای فوق مبنی بر وجود تناقض در آن نیست؟»

پاسخ اینکه:

اولاً کاربرد موقت یک چیز به معنای کارکرد بهینه آن نیست؛ کما اینکه از جهات مختلف از جمله عدم ثبات ارزش، پول و نظامات پولی رایج در معرض انتقادات و اشکالات متعددی قرار گرفته‌اند و بر اساس نتایج مطالعات مختلف صورت گرفته در جهان تا کنون اثرات و تبعات مختلفی چه از منظر شاخصه‌های

کارایی اقتصادی و چه شاخصه‌های مربوط به عدالت انسانی-اجتماعی برای پول دستوری و نظام پولی ذخیره جزئی به اثبات رسیده است.

ثانیاً منظور از اشکال وارد شده به پول‌های رایج، این نیست که به هیچ وجه کارکردهای برشمرده شده برای پول را ایفا نمی‌کنند بلکه به صورت تمام و کمال ایفا نمی‌کنند و ابزار ناقصی برای این کارکردها هستند. مسئله این است که تعریف کارکردی موجود برای پول در ادبیات و متون اقتصادی، در حال حاضر هیچ مصداق بیرونی و عینی ندارد و تطبیق آن با مصداق رایج پول، ادعایی ناموجه و غیر قابل دفاع است. اگر مبنای تعریف پول، تحقق کارکردهای سه‌گانه مشهور در متون اقتصادی است در این صورت قرار دادن پول‌های امروزی در زمره مصداق تعریف مذکور، خطایی بس بزرگ محسوب می‌شود.

هر چند پول‌های رایج در یک نقطه از زمان، می‌توانند کارکرد سنجه ارزش بودن را در یک معامله از خود بروز دهند اما نمی‌توان این صفت و کارکرد را برای آنها در طول زمان تصدیق نمود. این کاستی، مادامی پرننگ‌تر می‌شود که کارکرد «وسيله ذخیره ارزش بودن» نیز در کنار کارکرد «سنجه ارزش بودن» برای پول مطرح می‌شود. در این صورت سؤال این است که آیا پول‌های رایج، از همان «ارزشی» که هنگام سنجش از آن نمایندگی می‌کنند، هنگام ذخیره کردن نیز همواره نمایندگی می‌کنند؟ یا اینکه این نمایندگی «ارزش» در هر یک از کارکردهای دوگانه مذکور با کم و کیف متفاوتی رخ می‌دهد؟

پر واضح است در حاق واقع، پول‌های رایج نمی‌توانند آن ارزشی را که هنگام مبادله از آن نمایندگی می‌کنند، هنگام ذخیره کردن در طول زمان نیز دقیقاً با همان کیفیت، نمایندگی نمایند. ارزشی که ۱۰۰ واحد از یک پول در نقطه زمانی اول از آن دلالت می‌کند با ارزشی که همان ۱۰۰ واحد در نقطه زمانی دوم نمایندگی می‌کند، یکسان نیست. این بدان معناست که ذخیره ارزشی که ۱۰۰ واحد از پول‌های رایج در نقطه زمانی A به آن دلالت دارد تا نقطه زمانی B (با فرض نبود محدودیت برای B) به صورت کامل امکان‌پذیر نبوده و کارکرد «سنجه ارزش بودن» برای پول‌های رایج در طول زمان برقرار و صادق نیست و حداکثر در عرض

زمان (در مقام مقایسه ارزش دو چیز در یک نقطه زمانی) معنادار خواهد بود. در ارتباط با نکته فوق ممکن است بیان شود که می‌توان تعریف پول بر اساس دو کارکرد «سنگه ارزش» و «وسیله ذخیره ارزش» را به گونه‌ای قید زد که با کارکرد پول‌های رایج سازگاری یافته و تناقض مذکور مرتفع گردد؟ در پاسخ باید گفت در این صورت به جای تطبیق‌دهی و اصلاح مصداق فاسد مبتنی بر تعریف صالح، در قاعده و مبنای عقلایی وضع شده، دست برده و به تحریف در آن مبادرت ورزیده‌ایم که کاری بس شگفت است. ضمن اینکه با فرض تغییر در تعریف کارکردی پول مبتنی بر ویژگی عدم ثبات ارزش در پول‌های امروزی، تکلیف پول‌های حقیقی که تأمین‌کننده شرایط و ویژگی‌های سه‌گانه پول بوده‌اند و اکنون با تعریف فرضی جدید سازگاری ندارند چه می‌شود؟! در این صورت پول‌های حقیقی سابق را چه باید نامید؟! آیا خارج کردن آن‌ها از مصداق پول، امری منطقی و امکان‌پذیر است؟!

از آنچه تا کنون بیان شد مشخص گردید دست‌یابی به تعریف اصولی از پول تنها از دریچه تأمین کارکردها و تحقق وظایف و صفات مطرح برای پول ممکن است و «ضرورت ثبات ارزش پول» قدر متیقن در زمره آن قرار می‌گیرد؛ اما نقد مصادیق رایج پول - و به تبع آن، نقد تعاریف رایج از پول - تنها از گذرگاه سه کارکرد مطرح برای پول، عبور نمی‌کند. بلکه لازم است وظایف و کارکردهای مطرح برای پول را نیز در بوتۀ نقد و تکامل قرار داد. چرا که هر چند مقوله ثبات ارزش پول - به‌عنوان مشخصه‌ای حیاتی - در چارچوب وظایف سه‌گانه پول قابل استنباط و تأمین است؛ علاوه بر آن، مشخصه حیاتی دیگری نیز برای پول وجود دارد که در قالب کارکردهای سه‌گانه مشهور قرار نگرفته و مغفول واقع شده است. آن مشخصه عبارت است از تضمین «عدم وقوع اثرات توزیعی سوء و ناعادلانه» که به واسطه ترتیبات خلق پول وضع شده، ممکن است در اقتصاد روی دهد. توضیح آن که در نظام پولی دستوری^۱ حتی با فرض تأمین شرط ثبات ارزش پول:

✓ اولاً وقوع اثر آبشاری^۱ محتمل است؛ بدین مفهوم که پول تازه خلق شده با فرض اینکه تنها در اختیار کارآفرین و تولیدکننده قرار گیرد نیز در دوره نخست، تقاضایی را در اقتصاد ایجاد می‌کند که عرضه متقابلش در جانب تولید و عرضه اقتصاد هنوز فراهم نشده است. هرچند در دوره بعد توقع می‌رود که این مابه‌ازای تولیدی پول جدید، وارد اقتصاد گردد. این مسئله می‌تواند در دوره نخست، اثرات جزئی بر قیمت‌ها بگذارد^(۵) که در این صورت اثرات توزیعی به نفع مالک پول جدید و به ضرر مالکان پول موجود رخ خواهد داد.

✓ ثانیاً حتی با فرض ناچیز بودن و نادیده گرفتن اثر آبشاری، سؤال قابل طرح این است که مالکیت ارزش افزوده (تولید) جدید در اقتصاد بر چه مبنایی و به چه کسی و گروهی تعلق می‌یابد؟ آیا فردی که بدون هیچ زحمت و مؤونه‌ای، از تسهیلات خلق پول جدید بهره‌مند شده، مالک ارزش افزوده آن خواهد بود یا دولت (به عنوان ناشر پول) یا مردم (به عنوان کسانی که در مسیر دستیابی به ارزش افزوده و تولید جدید، به صورت غیرمستقیم و با انتشار پول اعتباری جدید، از قدرت خرید آنها استفاده شده است)؟ تعیین و تخصیص دقیق سهم هر کدام از این گروه‌ها از ارزش افزوده جدید مبتنی بر استحقاق آنها، ممکن نخواهد بود. ضمن اینکه از منظر منطقی و فقهی نیز تعیین هر نسبتی برای هر یک از گروه‌های مذکور، وجهی نخواهد داشت. لذا در این حالت نمی‌توان منکر اثرات (ولو اندک) توزیعی و درآمدی غیر عادلانه خلق پول جدید در نظام پول دستوری بود.

✓ ثالثاً از آنجائی که در حالت استقرار پول غیر دستوری، خلق پول به صورت غیر دستوری، غیر متمرکز و درون‌زا رخ می‌دهد جذب هر مقداری از منابع مالی توسط فعالان و بنگاه‌های اقتصادی تنها از طریق اقناع سرمایه‌گذاران و صاحبان پول نسبت به سودده بودن و جذابیت فعالیت اقتصادی مربوطه، ممکن خواهد بود که این مسئله علاوه بر جلوگیری از تبعات ناعادلانه ناشی از خلق پول صلاح‌دیدنی و غیر مسئولانه، خود باعث افزایش دقت و کارایی^۲ در فعالیت‌های اقتصادی،

1. Cascade effect

2. Efficiency

کاهش ریسک و حذف بحران مالی خواهد شد.

نکته مهم آن که مجموعه مشخصه‌های اساسی پول را می‌توان ذیل یک اصل و مشخصه عمومی با عنوان لزوم صیانت از «حق انتخاب و اختیار افراد»^(۶) قرار داد؛ بدین معنا که حاکمیت حق ندارد چیزی را به عنوان پول، تعریف و بر عموم تحمیل کند که در شرایط عادی و نبود اجبار، به عنوان پول رایج مورد انتخاب و ترجیح آنان قرار نمی‌گیرد. به عبارتی شاخص اصلی آن است که فعالان اقتصادی (عموم) در مقام مقایسه و انتخاب آگاهانه - با فرض شفافیت تمامی جوانب استقرار مصادیق مختلف پول در اقتصاد و اطلاع و آگاهی کامل عموم نسبت به آن - حاضر به پذیرش مصداقی مشخص از پول باشند. طبعاً از شروط لازم برای ترجیح عموم نسبت به یک پول، اطمینان از ثبات ارزش آن در بلندمدت، عدم وقوع اثرات توزیعی سوء و کارامدی اقتصادی است. در رابطه با این اصل - که در برخی مطالعات نظیر هایک (۱۹۳۷)، میز (۱۹۹۰)، رثارد (۲۰۰۱) و هالسمن (۲۰۰۸) نیز مورد اشاره قرار گرفته - چند نکته ظریف از منظر نگارنده وجود دارد که ضروری است به آن توجه شود:

■ بسیاری از قائلین به «حق انتخاب و اختیار افراد» همچون حامیان مکتب اتریش، از این گزاره، لزوم حرکت به سمت پول خصوصی (پولی که صرفاً توسط فعالان بخش خصوصی ایجاد شده و با اقبال حداقل بخشی از مردم به گردش درمی‌آید) و جلوگیری از هر گونه مداخله و اثرگذاری دولت در این حیطه را استنباط می‌کنند؛ در حالی که صیانت از حق انتخاب و آزادی افراد، لزوماً به معنای آزاد گذاشتن بی‌قیدوشرط و مطلقاً رها کردن حوزه پولی توسط حاکمیت نیست. چه اینکه در این صورت وقوع برخی آسیب‌ها و نابسامانی‌ها در عرصه نظامات پولی، مالی و اقتصادی مورد انتظار خواهد بود. از این رو برای پیش‌گیری از ناکارامدی‌های مربوطه، می‌توان از ظرفیت‌ها و امکانات دولت (به عنوان نماینده و حافظ منافع عموم) به منظور ساماندهی حوزه پولی به گونه‌ای بهره برد که نه تنها با اصل مذکور در تعارض نباشد بلکه به تحقق حداکثری آن نیز بینجامد.

■ به بیان ساده آنچه ضامن اصلی و تأمین‌کننده «حق اختیار و آزادی افراد» در

مواجهه با پول‌های مختلف است، اطمینان از ترجیح همگانی یا قریب به اتفاق افراد نسبت به پول وضع شده از ناحیه دولت (در صورت در دسترس بودن پول‌های مختلف و امکان انتخاب برای آنان) است در فضایی که آگاهی و اطلاعات کامل و متقارن نسبت به جوانب و تبعات هر نوع پول و نظام مبتنی بر آن وجود دارد. به عبارتی روی دیگر مسئله صیانت از حق انتخاب و آزادی افراد را باید در برخورداری حقیقی و حداکثری پول وضع شده از «پایگاه اجتماعی و پذیرش عمومی» دانست.

■ از این نگاه، تعریف یک پول و شکل‌گیری نظام پولی نمی‌تواند صرفاً متکی بر «پایگاه قانونی» و «قرارداد یک‌جانبه از سوی حاکمیت» صورت گیرد؛ بلکه باید دو پایگاه اجتماعی و قانونی را توأمان برای آن مدنظر قرار داد^(۷).

■ البته این برخورداری از «پایگاه اجتماعی» است که نقش محوری را به عنوان شاخص و اصلی مهم در تعریف پول و نظام پولی ایفا می‌کند و وجود «پایگاه قانونی» برای آن (به عنوان مدخل حضور و کنش‌گری دولت در نظام پولی) امری جانبی محسوب می‌شود. این در حالی است که در دهه‌های اخیر تاریخ نظریات اقتصادی، نه تنها «پایگاه اجتماعی» در اکثر نظریات پولی به فراموشی سپرده شده بلکه به بیان دقیق‌تر مورد انکار نیز قرار گرفته است. در چارچوب تعاریف مدرن، این تنها قانون (دولت و حاکمیت) است که منشأ و عامل تعریف پول و نظام پولی محسوب می‌شود و این مدعا که پول، نهادی اجتماعی است از اساس نفی شده است.

ناپ (۱۹۲۴) در اولین جمله کتاب خود این‌گونه بیان می‌کند که پول مخلوق قانون^۱ است و یک نظریه پولی می‌بایست با تاریخ قوانین مرتبط باشد. کینز (۱۹۳۰) نیز معتقد است عصر پول چارتالیستی یا پول مدرن از هنگامی آغاز شد که دولت مدعی حق اعلام آنچه می‌بایست به عنوان پول رایج به کار رود، گردید. گودهارت (۱۹۹۸) در توضیح وجه قانونی نظامات پول خصوصی مبتنی بر مسکوک طلا و نقره، بیان می‌کند: «این، ترکیب ویژگی‌های ذاتی فلزات گرانبها

(دوام، تقسیم‌پذیری و قابلیت حمل) و کاهش هزینه شناسایی به وسیله ضرب سکه بود که بخش خصوصی را قادر به ایجاد یک نظام پولی کرد؛ اما آنچه در تاریخ اتفاق افتاده این است که در اکثریت قریب به اتفاق موارد، این دولت بوده است که ضرب سکه را انجام می‌داده است. در مواردی نیز که ضرب سکه توسط بخش خصوصی انجام شده، استانداردها توسط دولت تعیین می‌شده و بخش اعظم سود ضرب سکه از طریق اجاره و یا مالیات حق‌الضرب توسط دولت اخذ می‌شده است. لذا این دولت بوده که نقش اساسی را در پول‌های فلزی ایفا می‌کرده است» (Goodhart, 1998).

به نظر می‌رسد، گودهارت از اطلاعات صحیح، نتیجه و تحلیلی اشتباه را مطرح می‌نماید. مسئله این نیست که کدام یک از دو وجه اجتماعی و قانونی در رابطه با پول، می‌تواند دیگری را کنار زده و بدون حضور آن نظامی پولی را به سهولت مستقر سازد. بلکه مسئله این است که کدام عامل در استقرار نظام پولی مطلوب و موجه، نقش و کارکرد اصلی را ایفا می‌کند؟ آیا صحت و سلامت یک نظام پولی بیشتر در گروی وجه اجتماعی و پذیرش عمومی آن است یا وجه قانونی آن؟ دولت بدون مشارکت بخش خصوصی هم می‌تواند به انتشار پول مبادرت ورزد، اما آن نظام پولی که از دل اقدام و تصمیم یک‌جانبه دولت برآید تا چه حد از مشخصه‌های نظام پولی مطلوب از جمله برخورداری از پایگاه اجتماعی (توجه به حق آزادی و انتخاب افراد) برخوردار است؟ پاسخ مشخص است. در حالی که در نقطه مقابل، اگر حضور و کنش دولت در وضع پول و نظام پولی در نظر گرفته نشود علاوه بر اینکه امکان شکل‌گیری پول و نظام پولی وجود خواهد داشت (کما اینکه در مقاطعی از تاریخ و جغرافیای پولی، شاهد حضور و عملکرد پول‌های کاملاً خصوصی بدون هیچ دخالت و کنشی از ناحیه حاکمیت‌ها بوده‌ایم) پول خصوصی شکل گرفته، ناچاراً از پایگاه اجتماعی مناسبی برخوردار بوده و همین مسئله آن را موجه و قابل دفاع می‌نماید (هرچند اضافه شدن پایگاه قانونی می‌تواند بر عملکرد بهینه آن بیفزاید). نتیجه اینکه نبود پایگاه اجتماعی برای یک پول بمعنای نبود اولین و مهم‌ترین شرط تحقق نظام پولی حقیقی است که تبعات

خاص خود را در اقتصاد و جامعه به همراه خواهد داشت. در مجموع لازم است با لحاظ نکات فوق و مبتنی بر مشخصه‌ها و وظایف حیاتی پول، به بازنگری در روش تعریف پول و تعیین مصادیق آن مبادرت ورزید. چه اینکه مسیر طی شده و تحولات صورت گرفته در حوزه پول لزوماً بهترین مسیر و تحولات ممکن برای آن نبوده و انتساب تحولات پولی به تصمیماتی برآمده از خرد جمعی و انتخاب آزادانه و حداکثر کننده منافع عموم، در تعارض با واقعیات تاریخ پول است.

۲-۲. معرفی روش

بر اساس آنچه بیان شد، هر چند در اقتصاد مدرن با مصادیقی ادعایی از پول مواجه هستیم که صرفاً از نهاد قانون برآمده‌اند، اما اگر از منظر نهاد اجتماعی و ملاحظات مربوط به آن به پول بنگریم، با تحلیل جدیدی از پول و مصادیق آن مواجه خواهیم شد؛ چرا که صورت مسئله ما در بررسی چیستی پول با تغییری بنیادین مواجه شده و به جای آن که در پی ارائه تعریفی از پول باشیم که تمامی مصادیق ظاهری آن در طول تاریخ اقتصادی را توضیح دهد با این سؤال اساسی مواجه خواهیم بود که کدام یک از مصادیقی که تاکنون به عنوان پول در اقتصاد پیشامدرن، مدرن و پسامدرن طرح شده و می‌شود را می‌توان تصدیق نموده و به عنوان پول [حقیقی] پذیرفت؟

بر این اساس به نظر می‌رسد روشی که قریب به اتفاق نظریه‌پردازان پولی (به‌ویژه متأخرین) برای دستیابی به تعریفی از پول در پیش گرفته‌اند، محل تأمل و اشکال است؛ چرا که ایشان به دنبال آن هستند با نگاهی به مجموع مصادیقی که تا کنون برای پول معرفی و طرح شده و نام پول بر آن نهاده شده، تعریفی جامع و شامل برای پول ارائه دهند که حتی‌الامکان توضیح‌دهنده تمامی انواع و مصادیق مطرح شده برای آن باشد^(۸). روش صحیح تعریف پول به نظر، آن است که ابتدا وظایف و ویژگی‌های ضروری این نهاد مهم اقتصادی - که از منظر بایسته‌های مربوط به نهاد پایدار اجتماعی ضروری می‌نماید - شماره و ترسیم گردد؛ آنگاه مبتنی بر آن به تعریفی مؤثر و کارکردگرا از پول دست یافته و نهایتاً مصادیقی که تا

کنون به عنوان پول طرح و حتی مورد استفاده واقع شده، در بوته نقد و ارزیابی تعریف جدید و بایسته پول قرار گرفته و مورد قضاوت علمی واقع شوند.

مادامی می‌توانیم به تعریف صحیحی از ماهیت پول دست یابیم که با درک و شناختی دقیق نسبت به وظایف و صفات حقیقی پول و از دریچه آن به بررسی ماهیت پول بپردازیم. به عبارت دقیق‌تر در مواجهه با مسئله «چیستی پول» آنچه ابتدائاً موضوعیت می‌یابد «ماهیت پول» نیست؛ بلکه «مشخصه‌های پول» است. مادامی که وظایف و مشخصه‌های حیاتی پول به خوبی تبیین و تثبیت نشده باشد، پرداختن به مسئله ماهیت پول، پرداختن به امری مبهم و خالی از موضوعیت خواهد بود. چرا که مسئله «چیستی ماهیت پول» در انتهای زنجیره مسائل مرتبط با پول قرار می‌گیرد نه در ابتدای آن؛ بنابراین روش صحیح بررسی چیستی پول و دست‌یابی به تعریف آن را این گونه باید دانست که به جای آن که مبتنی بر مصادیق موجود پول به تعریفی از ماهیت پول فارغ از وظایف و مشخصه‌های پول دست یابیم، مبتنی بر کارکردها و وظایف پول، به مصادیقی صحیح از پول و مبتنی بر آن تعریف ماهیت پول دست یابیم.

وظایف و مشخصه‌های حیاتی پول که متضمن تأمین پایگاه اجتماعی حقیقی برای آن است را می‌توان در دو عنوان کلی خلاصه نمود:

۱. ثبات ارزش پول در طول زمان؛ که چه بسا مهم‌ترین عامل گرایش و ترجیح عموم نسبت به یک پول است. کاهش ارزش پول در طول زمان - ولو به صورت تدریجی و نامحسوس - علاوه بر این که امکان بهره‌برداری ناعادلانه را برای ناشران آن از محل کاهش ارزش فراهم می‌کند، خود، موجب بروز ناکارآمدی در نظام مالی و اقتصاد از طریق ظهور پدیده‌ای به نام تورم می‌شود^(۹). این مسئله از منظر حقوق و اخلاق انسانی و شاخصه‌های عدالت و برابری اجتماعی نیز محل ایراد اساسی بوده و ناپایداری نظام پولی و افزایش نااطمینانی اقتصادی در بلندمدت را در پی خواهد داشت^(۱۰).

۲. پیشگیری از اثرات توزیعی ناعادلانه که متأثر از ترتیبات خلق و محو پول خواهد بود. مبتنی بر این مشخصه، هر مصداقی از پول که خلق آن تنها در اختیار

افراد معدود قرار داشته و به صورت دستوری تعریف شود، به واسطه آثار درآمدی و توزیعی اجتناب‌ناپذیر و سوء آن مورد تأیید و پذیرش نخواهد بود.

۳-۲. ارائه تعریف بدیل

در نهایت مبتنی بر آسیب‌شناسی و روش‌شناسی فوق و با اتخاذ رویکرد بایستگی^۱ - در عوض رویکرد اثباتی^۲ - نسبت به مسئله: «چیستی پول»، تعریف کارکردگرایانه زیر به عنوان تعریف بدیل پول از منظر مطالعه حاضر ارائه می‌گردد: «هر آنچه (واحد محاسباتی، فیزیکی یا دیجیتال) بتواند کارکرد سنجش ارزش را در کنار ذخیره ارزش و واسطه‌گری مبادله کالاها و خدمات، به صورت تمام و کمال ایفا نماید [یعنی گذر زمان تأثیری بر میزان ارزشی که از آن نمایندگی یا بر آن دلالت می‌کند نداشته باشد] به گونه‌ای که نحوه خلق و محو آن در اقتصاد با هیچ‌گونه آثار توزیعی همراه نباشد، پول [حقیقی] خواهد بود».

در رابطه با تعریف فوق از پول و مراد اصلی آن، لازم است توضیحاتی به شرح زیر ذکر گردد:

۱. تعریف فوق در رابطه با اینکه ماهیت پول اساساً بر یک مفهوم یا اعتبار انتزاعی بار می‌شود و یا اینکه ماده فیزیکی یا واحدهای دیجیتال را نیز در بر می‌گیرد موضعی ندارد و نقطه اصلی و تعیین‌کننده بحث را در جای دیگری می‌بیند. به عبارتی چه به زعم نظریه‌پردازان پول اعتباری، ماهیت پول را منحصر در اعتبار و ارزش انتزاعی (واحد محاسبه ارزش) بدانیم - که اسکناس و مسکوک یا ارقام دیجیتال، نشانه‌ای دال بر طلب یا بدهی معادل آن است - و چه واحدهای فیزیکی و دیجیتال را در تعریف ماهیت پول دخیل نماییم، تعریف فوق صادق و جاری است. اساساً تعریف پول از منظر ماهیت آن، فاقد دلالت کارکردی و اهمیت است. اینکه تعریف پول از منظر ماهیت در بین عموم اقتصاددانان پولی کمتر مورد توجه قرار گرفته و در مقابل، تعریف کارکردی پول عموماً در متون و مباحث اقتصادی مورد اتفاق و استناد بوده نیز خود دال بر این مدعا است.

1. Normative

2. Positive

۲. در تأمین پایگاه اجتماعی و مقبولیت عام یک پول علاوه بر ضرورت ثبات و دوام ارزش پول، آنچه اهمیت دارد اطمینان عموم از نوع اثرات توزیعی و درآمدی پول منتخب و نظام پولی برآمده از آن در جامعه است. نکته اساسی آن که جایگاه این مؤلفه بیش از آن که در کارکردها و وظایف پول بایسته قرار گیرد، در تشریح مشخصه‌های فنی نظام پولی برآمده از آن خواهد بود. چرا که تأمین ملاحظات مرتبط با عدالت اجتماعی و حقوق انسانی تنها در بستر ترتیبات تعریف شده برای خلق و محو پول در اقتصاد و قواعد مرتبط با آن امکان‌پذیر است. نتیجه بسیار مهم گزاره آن است که نمی‌توان به بحث چستی پول حقیقی پرداخت و از کم و کیف نظام پولی و ترتیبات خلق پول در اقتصاد سخن به میان نیاورد. از این رو، دو مقوله پول و نظام پولی (ترتیبات خلق پول) را باید مقولاتی در هم تنیده و تفکیک‌ناپذیر دانست.

۳. بر اساس این تعریف، دستیابی به پول حقیقی نه فقط از طریق تعریف یا شناسایی یک مصداق خاص از پول که از طریق طراحی یک نظام پولی - که تأمین‌کننده و تضمین‌کننده مشخصه‌های مذکور باشد - امکان‌پذیر خواهد بود^(۱۱).

۴. اگر صرفاً از زاویه «ثبات ارزش پول» به مسئله نگاه کنیم هر چند مسکوک طلا و نقره، مصداقی مهم و با قدمت برای آن محسوب می‌شود، به نظر، مصادیق تأمین‌کننده این کارکرد را می‌توان منحصر در آن ندانست. به بیان دیگر، تحقق ثبات ارزش پول در بلندمدت، منحصر در آنچه فلزگرایان قائل به آن هستند (نظریه بازاری پول و برخورداری پول از ارزش ذاتی) نبوده و منطقی‌تر می‌توان مصادیقی از پول اعتباری را متصور شد که ملاحظه فوق را تأمین نماید. اینکه ثبات ارزش پول لزوماً با وجود خاستگاه بازاری و ارزش ذاتی برای آن تأمین می‌شود نیازمند استدلال و تبیین است. هرچند احتمالاً پول کالایی سهل‌تر از سایر مصادیق می‌تواند این مشخصه را تأمین نماید.

۵. همان طور که از تعریف ارائه شده برای پول برمی‌آید، مناقشه پول تنها به کارکرد «ذخیره (ثبات) ارزش» محدود نمی‌شود. حتی با فرض تأمین شرط ثبات ارزش، یکی از ایرادات وارد بر پول اعتباری (دستوری) و نظام برآمده از آن، این

است که در این نظام پولی، مسئله خلق پول و اثرات توزیعی آن کماکان چالش برانگیز و محل مناقشه است. چرا که در تخصیص پول جدید این تصمیم و تشخیص ناشر پول (صاحب امتیاز خلق پول) است که تعلق پذیری یا تعلق ناپذیری پول خلق شده به افراد، فعالان و بنگاه‌های اقتصادی مختلف را تعیین می‌کند^(۱۲). این در حالی است که در نظام پول کالایی (خاصاً نظام مسکوک طلا و نقره) امتیاز خلق پول در اقتصاد، متمرکز نبوده و این مجموع فعالان و آحاد اقتصادی هستند که به تناسب ذخایری که از کالاهای واسطه‌ای (پولی) در اختیار دارند می‌توانند به صورت محدود اقدام به خلق پول جدید نمایند و اختصاص منافع حاصل از این خلق پول محدود به فرد نیز امری بدیهی است؛ ضمن اینکه جذب هر مقدار از منابع مالی توسط فعالان و بنگاه‌های اقتصادی، تنها از طریق اقناع سرمایه‌گذاران و صاحبان پول کالایی نسبت به سودده بودن و جذابیت فعالیت اقتصادی مربوطه، ممکن خواهد بود که این مسئله خود باعث افزایش دقت و کارایی در فعالیت‌های اقتصادی و کاهش ریسک خواهد شد. از این رو اولاً امکان وقوع هرگونه سوءاستفاده، تبعیض و تضاد منافع در تخصیص منابع مالی ارزان حاصل از خلق پول جدید در اقتصاد، به صورت پیشینی از بین می‌رود؛ ثانیاً با این چالش اساسی و بدون پاسخ (از لحاظ حقوقی و فقهی) که عایدی حاصل از خلق پول جدید، با چه ترتیباتی و به چه افرادی تعلق یابد، مواجه نخواهیم بود^(۱۳). ثالثاً تخصیص منابع و نهاده‌ها در اقتصاد به صورت بهینه صورت گرفته و به توسعه پایدار در بلندمدت می‌انجامد.

۶. در شرایطی که به هر دلیلی استفاده از پول دستوری در اقتصاد اجتناب‌ناپذیر باشد، ضروری است با لحاظ قیود و قواعد لازم، اثرات توزیعی و سوء خلق پول جدید را حتی‌الامکان به حداقل رسانده و نظام پولی مربوطه را به مختصات نظام مبتنی بر پول حقیقی نزدیک نمود. طبعاً تحقق این مهم مستلزم طراحی و تنظیم‌گری^۱ سخت‌گیرانه و هوشمند در رابطه با فرآیندها و قواعد خلق و محو پول در اقتصاد خواهد بود. رویکرد واقع‌بینانه و عمل‌گرا حکم می‌کند این

مهم را به عنوان موضوعی مستقل جهت بررسی و مطالعه در دستور کار قرار داد.

۷. تعریف فوق از پول می‌تواند در ارزیابی و تحلیل ارزشهای دیجیتال یا رمزپایه^۱ (نظیر بیت‌کوین) - که در یک دهه اخیر با آن مواجه هستیم - نیز مبنا قرار گیرد. بدین مفهوم که در صورتی یک رمزارز می‌تواند نقش پول یا ارز را ایفا کند که واجد کارکردهای ذکرشده باشد. در توضیح باید گفت هر چند از رمزارزها با عنوان «ارز^۲» یاد شده و هدف اولیه ناشران رمزارزی مانند بیت‌کوین نیز ابداع یک پول غیر متمرکز^۳ در بستر فناوری بلاک‌چین^۴ عنوان شده است اما به علت ناپایداری ارزش و وجود نااطمینانی بالا نسبت به آینده بازار این ارزشهای دیجیتال از یک طرف و نبود الزام حاکمیتی و قانونی برای کارکرد پولی بخشیدن به آنها از طرف دیگر (به معنای وجود قدرت نسبی انتخاب برای فعالان اقتصادی نسبت به پذیرش یا عدم پذیرش این پدیده به عنوان پول) شاهد آن هستیم که این ارزشها بیش از آنکه به عنوان ابزار تسویه و پرداخت در سطح جهان مورد توجه و اقبال واقع شوند از ناحیه سرمایه‌گذاران و سفته‌بازان به عنوان یک دارایی ریسکی و سودآور شناخته شده و بیش از کارکرد پولی، کارکرد دارایی بودن یافته‌اند؛ در حال حاضر با وجود ابداع و انتشار ده‌ها هزار ارز دیجیتال، میزان استفاده و کاربرد عمومی آنها در معاملات خرد و روزمره بسیار اندک و محدود است^(۱۴).

جمع‌بندی

در چارچوب تعریف رایج پول به کارکردهای سه‌گانه آن، نظریه پول کالایی بر کارکرد واسطه‌گری پول و نظریه پول اعتباری بر کارکرد سنجش ارزش (محاسبه‌گری) پول، تأکید و تکیه دارد. نکته اینجاست که هرچند تا کنون اهمیت کمتری برای کارکرد ذخیره ارزش پول نسبت به دو کارکرد دیگر در تعریف رایج پول عنوان شده، باید به آن به عنوان قیدی مهم و تعیین‌کننده در تعریف و تعیین

-
1. Cryptocurrencies
 2. Currency
 3. Decentralized
 4. Blockchain

مصدق پول نگريست. چه اينکه مصاديق متعددی را می توان یافت که کارکردهای واسطه‌گری و محاسبه‌گری پول را تا حدودی از خود بروز دهند اما مادام که کارکرد ذخيره ارزش به عنوان شرطی لازم برای پول در کنار دو کارکرد ديگر مطرح می‌شود، مصاديقی تأمین‌کننده و واجد این شرط اندک خواهند بود. لذا از این منظر می‌توان کارکرد سوم پول را به عنوان مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین کارکرد در تعريف و تعیین مصداق برای آن دانست.

ممکن است در مواجهه با مطلب فوق گفته شود حذف یا تضعيف کارکرد «ذخيره ارزش» در پول‌های رایج عملاً مشکلی را برای عملکرد این پول‌ها پیش نیاورده و نیازی به تأکید بر این کارکرد پول نیست؛ بنابراین ارائه تعريفی جدید از پول به سبک پژوهش حاضر توجیهي نخواهد داشت!

در پاسخ باید گفت:

✓ اولاً صحت چنین ادعایی، نیازمند بازنگری در تعريف کلاسیک و رایج پول و حذف یا تعدیل کارکرد سوم در آن است که تا کنون چنین امری صورت نگرفته است.

✓ ثانیاً حتی با فرض پذیرش و لحاظ این مطلب، خدش‌های بر دال مرکزی مطالعه حاضر وارد نخواهد شد و تنها مسئله مورد نظر این پژوهش از اینکه «تعريف حقيقي پول چیست؟» به اینکه «تعريف پول حقيقي چیست؟» تغییر می‌یابد.

✓ ثالثاً فراتر از وظایف و کارکردهای سه‌گانه مطرح در تعريف رایج پول، مشخصه‌ای مهم ناظر به اثرات توزیعی و درآمدی یک نظام پولی نیز مطرح می‌شود که ضروری است در بررسی چيستی پول و تعريف کارکردی آن مورد توجه قرار گیرد.

نهایتاً چه تعريف ارائه شده از پول در مطالعه حاضر را تعريفی انحصاری (جامع و مانع) از پول در نظر بگیریم؛ چه تعريفی از پول حقيقي (به‌عنوان یکی از مصاديق قابل تصور برای پول)؛ تأثیری در دستاورد و نتایج اصلی این مطالعه نخواهد داشت. مقصود و مراد در نهایت یک چیز است:

«مواجهه اصولی با مسئله پول مستلزم اتخاذ رویکردی بایسته‌نگر نسبت به آن خواهد بود که در این صورت بسیاری از مصادیقی که تا به امروز برای پول و نظام پولی طرح شده، از موضوعیت خواهد افتاد. چرا که توجه به اصول موضوعه‌ای چون کارایی، عدالت و حقوق انسانی در بلندمدت، مستلزم روی آوردن به پول حقیقی و اجتناب از پول‌های ناپایدار است. به بیان دیگر حتی اگر بپذیریم تأمین شرط «ثبات ارزش پول» در نظام پول دستوری امکان‌پذیر خواهد بود، تأمین شرط «عاری بودن از هرگونه اثر توزیعی» توسط این نظام پولی به نظر ممکن نخواهد بود و تنها در قالب نظام پولی غیردستوری می‌توان تحقق آن را پیگیری نمود».

پی‌نوشت‌ها

۱. از نظر برخی جورج زیمل (Georg Simmel) جامعه‌شناس آلمانی پیشگام طرح این رویکرد به پول بوده است. او در کتاب «فلسفه پول» (The Philosophy of Money) - که اولین ویرایش آن در سال ۱۹۰۰ منتشر شد - بین ماهیت پول و ماده‌ای که برای ایفای بهتر نقش پول به کار گرفته می‌شود، تمایز قائل شده و جوهره پول را چیزی غیر از ماده فیزیکی مورد استفاده برای آن می‌داند.
۲. Money of Account: کینز (۱۹۳۰) مفهوم اصلی و اولیه پول را پول محاسباتی (آنچه که قیمت‌ها و بدهی‌ها بر اساس آن بیان می‌شود) ذکر می‌کند.
۳. نظریه ارزش اسمی پول از نظریات مطرح در بین برخی از محققان حوزه نظام پولی اسلامی است که بر اساس آن، پول همان چیزی است که از ناحیه دولت (قانون) در قالب واحدی اسمی به عنوان ابزار مبادله تعریف شده و مبنای ارزش آن صرفاً همان ارزش اسمی واحد تعریف شده است.
۴. در این رابطه مطالعات متعددی وجود دارد که پرداختن به آن نیازمند مجالی مستقل است؛ برای نمونه می‌توان به مطالعات (Humphrey, 1976)، (Laidler, 1992)، (Hulsmann, 2008)، (Griffin, 2010) و (Sutton, 2014) اشاره نمود که سیر مناقشات پولی و مخالفت‌های گسترده در قبال ایجاد انحراف در نظامات پول کالایی و ظهور نظام پولی ذخیره جزئی و بدون پشتوانه را در طول تاریخ اقتصادی کشورهای مختلف به ویژه در انگلستان و آمریکای شمالی تشریح می‌نمایند.
۵. این در حالی است که در نظام مبتنی بر مسکوک طلا و نقره، با توجه به اینکه انتظار می‌رود افزایش تقاضای پولی طلا و نقره، توأم با افزایش عرضه کالایی آن در اقتصاد (از طریق افزایش استخراج و معدن‌کاوی آن) گردد، افزایش حجم پول، آنآ و در همان دوره نخست، با افزایش عرضه کالا در اقتصاد همراه خواهد بود؛
۶. مشخصاً در حوزه مباحث اقتصادی و مالی قاعده‌ای چون «حرمت مال مسلم» یا قاعده تسلیط (الناس مسلطون علی اموالهم) دلالت بر حق انتخاب و اختیار افراد در قبال اموال و داشته‌هایشان دارد. البته قواعد کلان‌تری که این قاعده را از حالت اطلاق در آورد نیز وجود دارد. نظیر اینکه انسان تحت شرایطی موظف است در قبال بخشی از درآمد خود، مالیاتی به نام «خمس» را بپردازد؛ اما وجود این قبیل قواعد و احکام، خللی در بحث ارائه‌شده وارد نمی‌کند.
۷. این تحلیل تا حدی نزدیک به تحلیل منگر (۱۸۹۲) است که می‌گوید: پول از طریق قانون ایجاد نشده و یک نهاد دولتی نیست؛ بلکه یک نهاد اقتصادی-اجتماعی است که البته همچون حقوق عرفی با رسمیت یافتن از سوی دولت و وضع مقررات برای آن، نهاد اجتماعی آن تکامل یافته و تناسب بیشتری با نیازهای متعدد و متغیر اقتصادی یافته است.

۸. البته نظریه پردازان پول کالایی قائل اند به اینکه برای ایفای [صحیح] کارکرد واسطه مبادله، آنچه به عنوان پول انتخاب می شود باید مفید و دارای ارزش مبادله‌ای مستقل از کارکرد پولی آن باشد (Schumpeter, 1954)؛ اما عمده این نظریه پردازان در مواجهه با پول کاغذی و اعتباری، به جای اتخاذ رویکرد انتقادی، اقدام به توجیه منشأ و ریشه شکل‌گیری و ظهور این پول‌ها نموده و سعی دارند آن را به نوعی برآمده از پول کالایی تصویر نموده و به پشتوانه آن قابل پذیرش شمارند.

۹. در تصدیق این دیدگاه از منظر نظریات اقتصادی، می توان به مخالفت برخی اقتصاددانان با سیاست جبران کاهش ارزش پول (شاخص‌بندی^۹) اشاره کرد که آن را نشانه‌ای بر عدم عزم دولت بر کنار گذاشتن و ریشه‌کن کردن تورم دانسته‌اند (Finch, 1956).

۱۰. نعمتی و همکاران (۱۳۹۹) و توسلی (۱۳۸۴ و ۱۳۹۷) نیز «اصل لزوم ثبات ارزش پول» را به عنوان اصلی برگرفته از اصول موضوعه فقه و حقوق اسلامی و مسئله‌ای کلان که عموم صاحبان دارایی پولی و درآمد ثابت اسمی را تحت الشعاع قرار می دهد، مطرح و رویکرد برخی از تحقیقات مبنی بر اینکه مسئله ثبات ارزش پول را به مثابه هدف و امری اخلاقی در کنار سایر مؤلفه‌ها برای اتخاذ سیاست پولی بهینه مطرح نموده و آن را با برخی مصلحت‌ها به راحتی قابل نقض می شمارند، تقبیح کرده و مردود می شمارند.

۱۱. حتی در قبال مسکوکات طلا و نقره که در نگاه اول شاید مهم‌ترین مصداق تعریف فوق از پول به نظر رسد نیز این ملاحظه صادق است. چرا که حفظ خلوص مسکوکات فلزی و تضمین آن، خود نیازمند ساز و کارها و ابزارهایی است که امکان تقلب و کاستن از ارزش حقیقی سکه‌ها در طول زمان را از بین ببرد.

۱۲. این مسئله غیر از اشکالات و چالش‌هایی نظیر اثر آبشاری و مالکیت ارزش افزوده از محل خلق پول جدید است که در بخش «بیان ضرورت» نسبت به ترتیبات خلق پول دستوری مطرح شد.

۱۳. البته تحقق این موارد در بستر نظام پول طبیعی مستلزم طراحی و اتخاذ فرآیندها و ساز و کارهایی است که نتیجه و برون‌داد آن متضمن مشخصه‌های مورد نظر برای نظام پولی باشد. پرداختن به این مهم نیازمند مطالعه‌ای مستقل خواهد بود.

۱۴. البته از منظر برخی مطالعات همچون نواب‌پور و همکاران (۱۳۹۷) و عیوضلو و همکاران (۱۳۹۹)، ارزش‌های دیجیتال نظیر بیت‌کوین به علت برخی اشکالات ماهیتی مورد تأیید قرار نگرفته و مالیت آن‌ها محل تردید است؛ اما گذشته از این مسئله، استفاده محدود از این ارزش‌ها به عنوان واسطه تسویه و پرداخت در برخی معاملات نمی تواند دلیلی بر نام‌گذاری آن‌ها به عنوان مصداقی از پول باشد. کما اینکه بسیاری از معاملات کنونی در سطح جهان ممکن است از طرفی همچون مبادله فلزات گرانبها تسویه گردد؛ اما این مسئله منجر به این نشده که در عصر فعلی فلزات گرانبها نیز در زمره مصادیق پول‌های رایج تعریف گردد.

منابع

- توسلی، محمداسماعیل (۱۳۸۴). بررسی و نقد نظریات برخی از اندیشه‌وران اسلامی درباره ماهیت پول. اقتصاد اسلامی. ۱۹. صص ۱۲۳-۱۹۰.
- توسلی، محمداسماعیل (۱۳۹۷). تحلیل ماهیت پول و بنیان‌های اعمال سیاست پولی در اقتصاد اسلامی. تهران. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (۱۳۷۴). پول در اقتصاد اسلامی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- حسینی دولت‌آبادی، سیدمهدی (۱۳۹۴). ترتیبات خلق پول از منظر اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی با تأکید بر نرخ ذخیره قانونی. رساله دکتری دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- درویدیان، حسین (۱۳۹۴). خلق پول، درون‌زایی پول و مختصات نظام خلق پول در الگوی بدیل. رساله دکتری دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- عیوضلو، حسین. رضایی صدرآبادی، محسن و نوری، جواد (۱۳۹۹). تحلیل فقهی- حقوقی مبادله ارزهای قابل استخراج در اقتصاد اسلامی. اقتصاد اسلامی. ۲۰(۷۷).
- نعمتی، علی. توسلی، محمداسماعیل و مجاهدی مؤخر، محمدمهدی (۱۳۹۹). جبران کاهش ارزش پول اعتباری و دوگان مثلی-قیمی؛ نگرشی موضوع‌شناسانه. فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی. ۲۵.
- نواب‌پور، علیرضا. یوسفی، احمدعلی و طالبی محمد (۱۳۹۷). تحلیل فقهی کارکردهای پول‌های رمزنگاری شده (مورد مطالعه بیت کوین). ۱۸(۷۲). صص ۲۱۳-۲۴۳.
- Ball, Laurence (2011); Money, Banking and Financial Markets, Worth Publishers; Second edition.
- Finch, David (1956). Purchasing Power Guarantees for Deferred Payments; Staff Papers (International Monetary Fund) Vol. 5, No. 1, pp. 1-22.
- Goodhart, Charles A.E (1998); The two concepts of money: implications for the analysis of optimal currency areas, European Journal of Political Economy, Volume 14, Issue 3, Pages 407-432.
- Griffin, G. Edward. (September 11, 2010); The Creature from Jekyll Island: A

- Second Look at the Federal Reserve; American Media, 5th edition.
- Harris, Laurence; (1989); Monetary Theory; New York: McGraw-Hill.
- Hayek, F.A. (1937) Economics and Knowledge. *Economica*, 4, 33-54. <http://dx.doi.org/10.2307/2548786>
- Hicks, John (1967); *Critical Essays in Monetary Theory*, Clarendon Press.
- Hulsmann, Jorg Guido. (2008); *The Ethics of Money Production*; Createspace Independent Pub.
- Humphrey, Thomas M. (1976); A Monetarist Model of World Inflation and the Balance of Payments, *Economic Review*, Nov/Dec.
- Humphrey, Thomas M. (1976); Some Current Controversies in the Theory of Inflation, *Economic Review*, Jul/Aug.
- Ingham, Geoffrey (2004); The nature of money, *Economic Sociology: European Electronic Newsletter*, ISSN 1871-3351, Max Planck Institute for the Study of Societies (MPIfG), Cologne, Vol. 5, Iss. 2, pp. 18-28.
- Keynes, Maynard (1930); *Treatise On Money V1: The Pure Theory Of Money*, Kessinger Publishing, LLC (August 31, 2010).
- Keynes, Maynard (1930); *Treatise On Money V2: The Applied Theory Of Money*, Kessinger Publishing, LLC (September 10, 2010).
- Knapp, Georg Friedrich (1905); The State Theory of Money, *Journal of Political Economy*, Vol. 34, No. 3 (Jun., 1926), pp. 404-406 (3 pages), Published By: The University of Chicago Press.
- Laidler, D. (1992), Bullionist Controversy, in the *New Palgrave Dictionary of Money & Finance*, edited by Newman, P. and et al, London: the Macmillan Press Limited, Vol. I, pp. 255-261.
- Mises, L. V. (1990), *Money, method, and the market process*, Alabama: Ludwig von Mises Institute.
- Menger, Karl (1892); On the Origin of Money, *The Economic Journal*, Vol. 2, No. 6, pp. 239-255 (17 pages), Published By: Oxford University Press.
- Menger, Karl (1923); *Economics and Philosophy*, Emerald Publishing Limited; 1st edition (November 2, 2009).
- Mishkin, F. (2004), *the Economics of Money, Banking and Financial Markets*, 7th ed., US: The Addison-Wesley series in economics.
- Rothbard, M. N. (1994), *The Case Against the Fed*, Alabama: Ludwig von Mises Institute.
- Rothbard, M. N. (2001), *the case for a 100 percent gold dollar*, Alabama:

Ludwig von Mises Institute.

Schumpeter, Joseph A. (1954). *History of Economic Analysis*; Psychology Press, Dey 10, 1333 AP - Business & Economics.

Simmel, Georg (1900); A Chapter in the Philosophy of Value, *American Journal of Sociology*, Volume 5, Number 5.

Sutton, Antony C. (February 5, 2014), *The Federal Reserve Conspiracy*, Dauphin Publications Inc.

Wray, L. Randall, (July 1, 2000). *The Neo-Chartalist Approach to Money*. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1010334> or [http:// dx. doi. org/ 10.2139/ssrn.1010334](http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1010334)